



۳۴ / حیاط کلیسا  
۳۵ / خواهر من و ملکه‌ی انگلستان  
۳۷ / مراجعه به دندانپزشکی  
نامه به تولیدکنندگان نخود منجمد / ۳۸  
۴۰ / بلغور  
۲  
۴۲ / دو مرده شور  
۴۳ / از مری حال دوست افسرده و ...  
۴۴ / جادوی قطار  
۴۵ / تنها ماهی خوردن  
۵۲ / نمی توانم و نمی خواهم  
۵۳ / زن آقای پوشه  
۵۴ / شام  
۵۵ / سگ  
۵۶ / مادر بزرگ  
۵۷ / کلفت های سرجهاز  
۶۵ / داستان دورو  
۶۶ / زنی سی ساله

۱  
داستان سلامی های مسروقه / ۱۰  
موی سگ / ۱۱  
داستان ادواری / ۱۲  
پیشنهادی برای علامت / ۱۳  
بلومینگتن / ۱۵  
درس آشپز / ۱۶  
در بانک / ۱ / ۱۷  
بی خوابی شبانه / ۱۸  
در بانک / ۲ / ۱۹  
دو دیویس و قالیچه / ۲۰  
احتمال (در مقابل ضرورت) / ۲۵  
احتمال (در مقابل ضرورت) / ۲ / ۲۶  
داستانی که دوستی برایم تعریف کرد / ۲۷  
رمان بد / ۲۹  
بعد از رفتن تو / ۳۰  
بادیگارد / ۳۲  
کودک / ۳۳



- بی‌علاقه / ۲۳۶  
 پیرزن، ماهی مانده / ۲۳۹  
 اقامت نزد داروساز / ۲۴۰  
 آواز / ۲۴۲  
 دو دانشجوی سابق / ۲۴۳  
 داستان کوچکی درباره‌ی ... / ۲۴۴  
 زن بغل‌دستی من در هواپیما / ۲۴۸  
 نوشتن / ۲۴۹  
 تشکراشتباهی در تئاتر / ۲۵۰  
 خروس / ۲۵۱  
 همنشین دوست کوچکم / ۲۵۳  
 سرباز پیر / ۲۵۴  
 دو نوجوان اسلایگویی / ۲۵۶  
 زن قوزپوش / ۲۵۷  
 اگر توی عروسی (توی باغ وحش) / ۲۵۸  
 طلاجوی گلدفیلد / ۲۶۰  
 جاروبرقی کهنه مدام از کار می‌افتد / ۲۶۳  
 فلوبرو منظر / ۲۶۴  
 خرید خانوادگی / ۲۶۶  
 نامه به رئیس انجمن ... / ۲۶۷  
 نانسی براون به شهر می‌آید / ۲۷۰  
 دکترا / ۲۷۱  
 درس پیانو / ۱۷۲  
 دانش‌آموزان در ساختمان بزرگ / ۱۷۳  
 مرد جوان و جمله / ۱۷۵  
 مالی، ماده‌گربه: تاریخچه / یافته‌ها / ۱۷۶  
 نامه به بنیاد / ۱۷۹  
 نتایج یک مطالعه‌ی آماری / ۲۱۰  
 تجدیدنظر: ۱ / ۲۱۱  
 گفت‌وگوی کوتاه در ... / ۲۱۳  
 تجدیدنظر: ۲ / ۲۱۴  
 وسایل جامانده / ۲۱۵  
 انتظار پرواز / ۲۱۸  
 صنعت / ۲۱۹  
 آسمان لوس‌آنجلس / ۲۲۰  
 دو کاراکتر در یک پاراگراف / ۲۲۱  
 شنا کردن در مصر / ۲۲۲  
 زن رختشوی / ۲۲۳  
 نامه به مدیر هتل / ۲۲۴  
 روز تولد خانم / ۲۲۹  
 ۵  
 دوست دوران کودکی من / ۲۳۲  
 سنگ بیچاره‌ی آن‌ها / ۲۳۳  
 سلام عزیزم / ۲۳۵

- از کجا می‌دانم چی دوست دارم / ۶۷  
 هَنذِل / ۶۸  
 قدرت ناخودآگاه / ۶۹  
 جغرافی‌اش: آلاباما / ۷۱  
 مراسم تدفین / ۷۲  
 شوهرخواهان / ۷۳  
 در گالری / ۷۴  
 آفتاب رو به غروب / ۷۵  
 فرود / ۷۶  
 زبان شرکت مخابرات / ۸۱  
 گاریچی و کرم / ۸۲  
 نامه به مدیر بازاریابی / ۸۴  
 ۳  
 آخرین موهیکان / ۸۹  
 تکلیف کلاس دوم / ۹۰  
 استاد / ۹۱  
 وضعیت بغرنج / ۹۲  
 تأملاتی در باب خانه‌داری / ۹۴  
 اعدام / ۹۵  
 یادداشتی از یک پیک / ۹۶  
 در ایستگاه راه‌آهن / ۹۷  
 ماه / ۹۸  
 گام‌های من / ۹۹  
 چطور به سرعت تمام شماره‌های ... / ۱۰۰  
 یادداشت‌هایی حین مکالمه‌ی ... / ۱۰۵  
 مردان / ۱۰۶  
 عواطف منفی / ۱۰۷  
 من راحت‌م، اما می‌توانستم ... / ۱۰۹  
 قضاوت / ۱۱۳  
 صندلی‌ها / ۱۱۴  
 آفریده‌ی دوست من / ۱۱۵  
 پیانو / ۱۱۶  
 مهمانی / ۱۱۷  
 گاوها / ۱۱۹  
 نمایشگاه / ۱۳۲  
 نامه به شرکت آب‌نبات نعنای / ۱۳۴  
 جغرافی‌اش: ایلینوی / ۱۳۷  
 ۴  
 اودون فون‌هاروات رفته قدم بزند / ۱۴۰  
 در قطار / ۱۴۱  
 مشکل جاروبرقی / ۱۴۲  
 فُک‌ها / ۱۴۳  
 آموزش تاریخ قرون وسطی / ۱۷۰  
 دوست مدرسه‌ی من / ۱۷۱



کوتاه درباره‌ی نویسنده

لیدیا دیویس (متولد ۱۹۷۴) نویسنده و مترجم پرکار آمریکایی ید طولایی در داستان کوتاه دارد و از چهره‌های تأثیرگذار و خط‌دهنده‌ی داستان امروز آمریکاست. کمتر نشریه‌ی ادبی است که در آن اثری از او نباشد. نخستین مجموعه داستان او زن سیزدهم و داستان‌های دیگر در سال ۱۹۷۶ منتشر شد. من به عنوان مترجم برای نخستین بار این نویسنده را در ایران معرفی کردم، پرونده‌هایی برایش در مجلات مختلف منتشر کردم و داستان‌هایش را با اجازه‌ی خودش به فارسی برگرداندم. لیدیا دیویس همسر پل آستر بود و پسری به نام دانیل حاصل ازدواج‌شان است. تجربه‌های داستانی دیویس چنان است که آموختن آن‌ها به سهولت امکان‌پذیر نیست. منتقدان در آثار او طنز، شفافیت و کیفیت شاعرانه‌ی مینی‌مالیستی یافته‌اند. دیویس تأثیر فراوانی از فرانتس کافکا و ساموئل بکت پذیرفته است. او مترجم آثار مارسل پروست و گوستاو فلوربر به انگلیسی است و نشان شوالیه‌ی فرهنگ و ادب فرانسه را دارد.

مترجم

مجموعه‌ی رمان‌ها و داستان‌ها

موی سنگ

لیدیا دیویس (متولد ۱۹۷۴) نویسنده و مترجم پرکار آمریکایی ید طولایی در داستان کوتاه دارد و از چهره‌های تأثیرگذار و خط‌دهنده‌ی داستان امروز آمریکاست. کمتر نشریه‌ی ادبی است که در آن اثری از او نباشد. نخستین مجموعه داستان او زن سیزدهم و داستان‌های دیگر در سال ۱۹۷۶ منتشر شد. من به عنوان مترجم برای نخستین بار این نویسنده را در ایران معرفی کردم، پرونده‌هایی برایش در مجلات مختلف منتشر کردم و داستان‌هایش را با اجازه‌ی خودش به فارسی برگرداندم. لیدیا دیویس همسر پل آستر بود و پسری به نام دانیل حاصل ازدواج‌شان است. تجربه‌های داستانی دیویس چنان است که آموختن آن‌ها به سهولت امکان‌پذیر نیست. منتقدان در آثار او طنز، شفافیت و کیفیت شاعرانه‌ی مینی‌مالیستی یافته‌اند. دیویس تأثیر فراوانی از فرانتس کافکا و ساموئل بکت پذیرفته است. او مترجم آثار مارسل پروست و گوستاو فلوربر به انگلیسی است و نشان شوالیه‌ی فرهنگ و ادب فرانسه را دارد.

مترجم



## داستان سلامی های مسروقه

صاحبخانه‌ی ایتالیایی پسر در بروکلین، بیرون خانه آلونکی ساخته بود و در آن سلامی دودی نگه می داشت. یک شب وسط موج دله دزدی های محل، آلونک را زدند و سلامی ها را بردند. پسر روز بعد قضیه را با صاحبخانه در میان گذاشت و سر قضیه‌ی سوسیسی های ناپدید شده با او همدردی کرد. صاحبخانه با لحنی متفکرانه وا داد که مسئله ای نیست، اما حرف او را تصحیح کرد: «سوسیسی نه عزیزم، سلامی!» بعد هم موضوع به مطبوعات معتبر شهر کشید که به عنوان حادثه ای جالب و پرآب و تاب شهری منتشرش کردند. پسر مقاله را نشان صاحبخانه داد که از موضوع خبر نداشت. صاحبخانه خوشحال شد و علاقه نشان داد که مجله به گزارش حادثه پرداخته، اما اضافه کرد: «سوسیسی نبود و سلامی بود!»

## موی سگ

سگ رفته. دل مان برایش تنگ شده. وقتی زنگ در به صدا درمی آید، صدای پارس بلند نمی شود. وقتی شب دیروقت به خانه می آییم، کسی منتظرمان نیست. اما موهای سفید او را اینجا و آنجای خانه می بینیم، یا روی لباس هامان. برشان می داریم. باید دور بریزیم شان. اما از او تنها همین موها برای ما مانده. دورشان نمی ریزیم. امیدواریم که اگر به حد کفایت جمع کنیم، بتوانیم سگ را دوباره سرهم کنیم.